

بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های معناشناختی در پسران مبتلا به سندرم داون با پسران دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون

ز هر ا افتخاری * (M.S)

چکیده

سابقه و هدف: تحقیق حاضر به مقایسه در ک صفات ساده، تفضیلی و عالی در پسران مبتلا به سندرم داون و پسران دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون در مدارس استثنایی محدوده مرکزی شهر تهران می‌پردازد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند کودکانی که قادر به نگهداری ذهنی هستند در ک و فهم بهتری از صفات دارند. از سوی دیگر بررسی مهارت‌های زبانی کودکان دارای نارسایی ذهنی، حاکی از وجود مهارت‌های زبانی ضعیف‌تری در کودکان مبتلا به سندرم داون است. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر سندرم داون بر مهارت‌های معناشناختی زبان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق، نمونه‌ها با روش نمونه‌برداری نظام دار انتخاب شدند. ابتدا آزمون‌های عملیاتی روی ۲۲۵ آزمودنی از ۹ مدرسه انجام شد که بر اساس زبان واحد و فقدان معلولیت حسی- حرکتی، تاریخ تولد، پایه تحصیلی، مردودی در پایه‌های قبلی، شغل و تحصیلات والدین، همسان شده بودند. سپس روی ۹۰ نفر از آن‌ها آزمون ریون رنگی انجام شد و کسانی که بین ۸ تا ۱۶ امتیاز کسب کردند (کودکان آموزش پذیر) در آزمون در ک صفات شرکت نمودند.

یافته‌ها: مقایسه عملکرد آزمودنی‌ها در آزمون در ک صفات، حاکی از آن است که در سطح $a = 0.05$ ، آزمودنی‌های سندرم داون در در ک صفات تفضیلی، عملکرد ضعیف‌تری دارند. اما در در ک صفات ساده و عالی بین دو گروه، تفاوتی ملاحظه نمی‌شود.

استنتاج: براساس یافته‌های فوق، می‌توان گفت کودکان مبتلا به سندرم داون، مهارت‌های معناشناختی ضعیف‌تری نسبت به سایر کودکان دارای نارسایی ذهنی دارند.

واژه‌های کلیدی: نگهداری ذهنی، مهارت‌های معناشناختی، سندرم داون- نارسایی ذهنی

مقدمه

معنا به عنوان هسته مرکزی روند ایجاد ارتباط،
اهمیت خاص دارد^(۱).

پژوهش‌های موجود در کشور به معناشناستی،
کمتر از جنبه‌های دیگر زبان پرداخته‌اند.
بنابراین دانش ما تا حد زیادی متکی بر پژوهش‌های

narssayi ذهنی به عنوان پدیده‌ای که بشر در طول
حیات خود همواره با آن مواجه بوده است مستلزم
توجه پژوهشگران علوم مختلف می‌باشد^(۲). اختلال در
گفتار و زبان از بارزترین اختلالات در افراد دارای
narssayi ذهنی است و میان جنبه‌های مختلف زبان،

* کارشناسی ارشد گفتار درمانی، مریم دانشگاه علوم پزشکی سمنان

تاریخ دریافت: ۸۲/۳/۳ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۸۲/۵/۱۹ تاریخ تصویب:

شاهد و مورد در درک صفات ساده، یکسان عمل می‌کنند، اما در درک صفات تفضیلی و عالی عملکرد یکسانی ندارند.

نتایج تحقیق حاضر می‌تواند مسؤولین تدریس کتب آموزشی استثنایی را در جهت دستیابی به واژگان مناسب با سن و سطح شناخت کودک، یاری دهد. در حیطه درمان، اختلالات گفتار و زبان، دقت درمان گران را در آموزش مفاهیم بر می‌انگیزد تا از به کار بردن حرکت‌های دل‌بخواهی خودداری کنند و مناسب با سطح شناخت کودک به درمان اختلالات گفتار و زبان او همت گمارند. برای آن دسته از پژوهشگران زبان شناسی و روان شناسی زبان که علاقه‌مند به تحقیق روی نقاط کور شد زبان هستند، نتایج این بررسی می‌تواند جالب توجه باشد. نتایج این تحقیق همچنین به کامل کردن تصاویر ذهنی و عملی متخصصین که در رابطه با مشکلات کودکان دارای نارسایی ذهنی تلاش می‌کنند و والدین کودکان دارای نارسایی ذهنی کمک می‌نماید.

مواد و روش‌ها

این مطالعه تحلیلی و از نوع مورد- شاهدی می‌باشد. نمونه‌ها از مدارس پسرانه استثنایی محدوده مرکزی شهر تهران به روش نظام دار انتخاب شدند: ابتدا اسمی مدارس (۹۰ مدرسه) مشخص گردید. در هر مدرسه پرونده تحصیلی و پزشکی کودکان مبتلا به سندروم داون بررسی شد و از میان آن‌ها کودکانی که یک‌زبانه و فاقد معلولیت حسی- حرکتی بودند، انتخاب شدند و مشخصات آن‌ها شامل تاریخ تولد، پایه تحصیلی، مردوکی در پایه‌های قبلی، شغل و تحصیلات والدین در برگه پرسشنامه ثبت گردید. برای انتخاب گروه شاهد، پرونده کودکان دارای نارسایی ذهنی غیرسندروم داون بررسی شد و از میان آنها کودکانی که نارسایی ذهنی آن‌ها علت مشخص داشت، حذف شدند و بقیه بر اساس

خارجی است که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و زبانی، راهگشای مشکلات آسیب شناسان گفتار و زبان در درمان اختلالات گفتار و زبان افراد دارای نارسایی ذهنی نخواهد بود.

مطالعه معنا در زبان، مستلزم توجه به توانایی‌های شناختی است (۷۳). از دیدگاه مراحل تحول شناختی پیاژ، کودک دارای نارسایی ذهنی در گذر از سطوح پایین‌تر تفکر به سطوح بالاتر با مشکل مواجهه است و بنابراین تفکر عینی دارد که اثر مستقیم آن بر کارکردهای اساسی زبان ملاحظه می‌گردد (۶، ۴۳).

پژوهشگران بر این باورند که گروه‌های مختلف کودکان دارای نارسایی ذهنی، توانایی‌های زبانی یکسانی ندارند. به عنوان مثال کرنال و سابسی (۱۹۹۶)، توماسلووفارر (۱۹۹۸) و دانکلی (۲۰۰۱) در پژوهش‌های مختلف گزارش می‌کنند که کودکان مبتلا به سندروم داون نسبت به سایر کودکان در درک و بیان مهارت‌های معناشناختی، ضعیف‌تر عمل می‌کنند (۸ تا ۱۱).

در مطالعه معنا، واژگان یکی از حیطه‌های مورد بررسی است و واژگان وصفی که سومین گروه بزرگ از واژگان هستند، در روند رشد گفتار و زبان کودک دارای نارسایی ذهنی نیز وسیله انتقال مفاهیم متعددی می‌باشند. اختلاف در کی میان انواع مختلف صفات (كمی، کیفی و ابعادی) نیز مکرر گزارش شده است (۸، ۷، ۵).

سه‌شکل ساده، تفضیلی و عالی صفات نیز در مراحل رشد شناختی، وارد خزانه واژگانی کودک می‌شوند (۶، ۳، ۲). بنابراین بررسی ادراک این صورت‌ها در کودکانی که به لحاظ شناختی در یک سطح قرار دارند، می‌تواند تأثیر یک عامل اضافی- سندروم داون- را بسنجد. هدف از این بررسی، شناخت تفاوت در کی شکل ساده، تفضیلی و عالی صفات ابعادی بین کودکان مبتلا به سندروم داون و کودکان دارای نارسایی ذهنی غیرسندروم داون است و فرض بر این است که گروه

- ۴- مقایسه زمان انجام آزمون در ک صفات ساده در آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون مقدار $P_{\text{v}}=0.4235$ را می‌دهد که در سطح $a=0.05$ می‌توان نتیجه گرفت: سرعت آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون در ک صفات ساده، یکسان است.
- ۵- مقایسه زمان انجام آزمون در ک صفات تفضیلی در آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون مقدار $P_{\text{v}}=0.4116$ را می‌دهد که در سطح $a=0.05$ می‌توان نتیجه گرفت: سرعت آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون در ک صفات تفضیلی، یکسان است.
- ۶- مقایسه زمان انجام آزمون در ک صفات عالی در آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون مقدار $P_{\text{v}}=0.2594$ را می‌دهد که در سطح $a=0.05$ می‌توان نتیجه گرفت: سرعت آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون در ک صفات عالی، یکسان است.(جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: شاخص‌های آماری آزمون در ک صفات ساده، تفضیلی و عالی در آزمودنی‌های سندرم داون و غیر سندرم داون

		در ک صفات عالی		در ک صفات تفضیلی		در ک صفات ساده		زیرآزمون	
		سندرم	غیرسندرم	سندرم	غیرسندرم	سندرم	غیرسندرم	دانوں	آزمودنی‌ها
		دانوں	دانوں	دانوں	دانوں	دانوں	دانوں	دانوں	شاخص آماری
۵/۸۸	۴/۹۴	۶/۵	۵/۵	۶/۵	۵/۸۸	۶/۵	۵/۸۸	۶/۵	میانگین نمره
۱/۷۵	۱/۹۱	۱/۰۳	۱/۴۱	۱/۱	۱/۴۵	۱/۱	۱/۴۵	۱/۱	انحراف معیار
۰/۱۶۴۴		۰/۰۳۲۲		۰/۰۹۴۰					P value
۲/۰۶	۲/۲۱	۱/۸۴	۱/۹۱	۱/۷۲	۱/۵۹	۱/۷۲	۱/۵۹	۱/۷۲	میانگین زمان (دقیقه)
۰/۴۴	۰/۶۶	۰/۴	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۴۶	۰/۴۱	۰/۴۶	۰/۴۱	انحراف معیار زمان (دقیقه)
۰/۲۵۹۴		۰/۴۱۱۶		۰/۴۲۳۵					P value

تاریخ تولد، پایه تحصیلی، مردوگی در پایه‌های قبلی، شغل و تحصیلات والدین با کودکان سندرم داون همسان شدند (۲۲۵ آزمودنی). بر روی این عده آزمون‌های عملیاتی (نگهداری ذهنی مقدار مایع، نگهداری ذهنی ژتون‌ها و درون گنجی طبقات) با استفاده از ابزار آزمون‌های دونالدسون انجام شد(۴) و افرادی که بین ۲ تا ۶ امتیاز کسب کردند (۹۰ کودک) توسط کارشناس ارشد روان‌شناسی با آزمون ریون رنگی آزمون شدند و کسانی که بین ۸ تا ۱۶ امتیاز کسب نمودند (گروه آموزش پذیر) -۱۶ کودک سندرم داون و ۱۶ کودک دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون - در آزمون در ک صفات (۹) شرکت کردند. کلیه آزمون‌ها به صورت انفرادی انجام گردید.

یافته‌ها

با به کارگیری آزمون Student در بررسی اثر متغیرها در سطح $a=0.05$ مشخص گردید:

۱- مقایسه عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون در ک صفات ساده مقدار $P_{\text{v}}=0.1940$ را می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت: عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در در ک صفات ساده، یکسان است.

۲- مقایسه عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون در ک صفات تفضیلی میزان $P_{\text{v}}=0.0322$ را می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت: عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در در ک صفات تفضیلی، یکسان نیست.

۳- مقایسه عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون در ک صفات عالی میزان $P_{\text{v}}=0.1644$ را می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت: عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در در ک صفات عالی، عملکرد یکسانی دارند.

می‌دانند. در پاسخ به این مطلب می‌توان به علل ویژه موجود نقایص زبانی در افراد سندرم داون اشاره نمود: آسیب عصب شنوایی، اوتیت مزمن گوش میانی و ناهنجاری‌های تشریحی، عملکردی و شیمیایی-عصبی مغز، نیمکره غالب زبانی راست، نقص در حافظه شنیداری کوتاه مدت و نقص در سرعت پردازش شنیداری ازمواردی هستند که بر اکتساب و به کارگیری مهارت‌های زبانی اثر منفی می‌گذارند^(۲). بنابراین در مورد کودکان مبتلا به سندرم داون، مهم‌ترین عامل در یادگیری زبان، خود سندرم است و عواملی مثل دوزبانگی، محیط اجتماعی نامناسب و مشکلات شناختی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرند.

در آزمون درک صفات عالی به واسطه آن که سه شیء در سه اندازه مختلف به طور همزمان در اختیار آزمودنی قرار می‌گیرند، آزمودنی با کمک دانش زبانی خود و درکی که از موقعیت دارد، پاسخ می‌دهد. بدین معنا که در پاسخ به محرک کلامی «بزرگ‌ترین»، کافی است آزمودنی، مفهوم «بزرگ» را بداند تا به پاسخ درست برسد. در حالی که در آزمون درک صفات تفضیلی، سه شیء ۳ و ۲ و ۱ که $1 < 2 < 3$ است دوبار و هر بار دو تای آن‌ها به کودک ارائه می‌شود^(۳) و یک بار و (۲) و (۱) بار دیگر. در واقع به طور دقیق دانش کودک در درک صفات مورد نظر بررسی می‌گردد. کودک یک بار شیء ۲ را در قیاس با ۳ تحت عنوان کوچک‌تر، کدگردانی می‌کند و بار دیگر همان شیء را در قیاس با ۱ مجبور است تحت عنوان بزرگ‌تر، کدگردانی کند. حال آن‌که در آزمون درک صفات ساده و عالی، توجه کودک که به یک بعد جلب می‌شود و بر اساس آن به پاسخ درست دست می‌یابد.

بحث

یافته اصلی تحقیق حاضر، حاکی از تفاوت عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در درک صفات تفضیلی است.

در این بررسی کودکان سندرم داون در مقایسه با گروه شاهد توانایی‌های ضعیفتری در درک صفات تفضیلی نشان دادند. یافته فوق مطابق با نتایج تحقیق دانکلی (۲۰۰۱) و توماسلووفارر (۱۹۹۸) می‌باشد^(۴). محققین یاد شده اشاره می‌کنند توانایی‌های زبانی ویژه در دوره عملیات عینی، شکل‌گیری مفهومی تفضیلی صفات می‌باشد^(۱۱،۳) و سندرم داون به عنوان آسیب ذهنی که رشد گفتار و زبان را با تأخیر مواجه می‌سازد، سبب می‌شود تا احتمالاً فرد مبتلا در مراحل بالاتر تحول شناختی به این توانایی دست یابد.

از دیدگاه پیچیدگی درکی، درک صفات ساده مستلزم توجه به یک بعد است که در حیطه توانایی‌های شناختی کودک که در مرحله پیش عملیاتی می‌باشد. بنابراین کودکان بررسی شده که در مرحله‌ای بالاتر-عملیات عینی- هستند، صفات ساده را درک می‌کنند. درک صفات تفضیلی مستلزم توجه همزمان به دو بعد است که کودک در مرحله عملیات عینی که اعمال ذهنی او ویژگی بازگشت پذیری پیدا می‌کند و قادر می‌شود بر چند بعد به طور همزمان تمرکز کند، به این توانایی می‌رسد. بنابراین انتظار می‌رود گروه شاهد و مورد که به لحاظ شناختی در مرحله عملیات عینی هستند در درک این گروه از صفات، یکسان عمل کند؛ در حالی که نتایج تحقیقات مختلف و تحقیق حاضر، ضعف زبانی مبتلا به سندرم داون را ناشی از تأثیر سندرم

فهرست منابع

1. افروز، غلامعلی. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و توانبخشی کودکان مبتلا به سندروم داون. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۲
2. Hudson, R. *Child Language* Newyork: Routledge, (1995). 98-120
3. پیازه ژان. ترجمه نیکچهر، محسن پنج‌گفتار روان‌شناسی. تهران: نشر بنیاد ۱۳۷۳
4. دونالدسون مارگارت ترجمه حسین نائلی. ذهن کودک. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱
5. Clark mike. In the child's aquistion of antonyms in two semantic fields. *Journal of verbal learning & verbal behaviour*. 1992; 11: 750-758.
6. Cromer, R *language & thought in normal & handicapped children*. London Whurr, 1991, 253-280.
7. Harasym, Carolyn R. & Boersma, Fredic J. *Semantic differential analysis of*